

ضرورت همگامی کا نون‌های شهری در پشتیبانی از مبارزات مردم ایران و «نه به جمهوری اسلامی» در اروپا و ...

یکشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۸۸ - ۷ مارس ۲۰۱۰

چه راه حل و یا راه‌حلهایی می‌تواند در خارج از کشور وجود داشته باشد؟

هامبورگ در تاریخ ۲۶ تا ۲۸ مارس

۶ مارس ۲۰۱۰

چه باید کرد؟ (۲)

این سئوالی است که ذهن اکثر ما را به خود مشغول کرده است. پیوستن و هم‌آوا شدن با «جنبش سبز» و دنباله روی از موسوی و دیگر اصلاح‌طلبان درون حکومتی؟ بدیل: «رنگین کمان»، «همه با هم»؟ و یا «هر کس برای خود در کنار دیگران»؟ بدیل «هماهنگی بین فعالین سیاسی در طیف چپ و سوسیالیستی»؟ بدیل «همکاری بین احزاب سیاسی دمکراتیک، مذهبی و چپ»؟

بدیلی که ما انتخاب کرده‌ایم: «همگامی (۳) میان نهادهای شهری در پشتیبانی از مبارزات مردم (۴) و ...» در خارج از مرزهای ایران» است که در زیر به جنبه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم. این بدیل نه خود را در رقابت با سازمان‌های سیاسی سراسری می‌داند و نه قصد آن دارد که جایگزین فعالیت‌های آنها و یا فعالیت‌های نهادهای دمکراتیک یا فرهنگی - سیاسی محلی شود.

این بدیل بستری است برای نزدیکی همه‌ی این گونه مجامع اعم از محلی و سرتاسری یا فرهنگی و سیاسی؛ و همگامی میان آنها. بدیلی است برای شکل‌گیری یک جنبش نوین، برابر حقوق، افقی، دمکراتیک و عدالت‌خواه که بتواند در نهادهای جنبش اعتراضی در خارج از کشور، در پشتیبانی از مبارزات مردم در «نه به جمهوری اسلامی» و مقابله با جنایات رژیم موثر بوده، بتواند بازتاب دهنده‌ی خواست‌های دمکراتیک و عدالت‌خواهانه‌ی جنبش اعتراضی مردم باشد که به دلیل شرایط شدید خفقان حاکم بر جامعه و گسترش دامنه‌ی سرکوب رژیم جمهوری اسلامی امکان بیان نمی‌یابند.

ما که خود به طیف‌های گوناگون از تشکلهای سیاسی-فرهنگی گرفته تا اعضاء و هواداران سازمان‌ها و نهادهای دمکرات، عدالت‌خواه و لائیک، چپ سوسیالیستی و کمونیستی و یا عناصر منفرد و جدا شده از سازمان‌های سیاسی تعلق داریم، بدیل «همگامی» را نه تنها در تضاد با سایر فعالیت‌های خود نمی‌بینیم، که مکمل آن نیز می‌دانیم.

وضعیت جامعه قبل از انتخابات ریاست جمهوری

کشیدن مردم به پای صندوق‌ها استفاده کنند.

خیابان‌ها برای مدتی به تصرف مردم درآمد.

اگر چه به علت وجود خفقان موجود و سرکوب شدید این خواست در تمامی ابعاد آن به روشنی مطرح نشد.

ضرورت همگامی کانون‌های شهری در پشتیبانی از مبارزات مردم ایران و «نه به جمهوری اسلامی» در خارج

سرعت و دامنه تغییر و تحولات سیاسی در ایران پس از انتخابات ریاست جمهوری در تابستان گذشته غیرقابل پیش‌بینی بود.

مردم ما بار دیگر حادثه‌ای شگرف آفریدند که هم خود و هم جهان بیرون از خود را غرق شگفتی و تحسین نمودند. در صحنه مبارزات خیابانی به گونه‌ای هوشمندانه آوای نوید بخش آزادی به دور از خشونت در زیباترین شکل ممکن، سرداده شد و در سرتاسر جهان طنین افکند. خیزش میلیونی مردم نه تنها دستگاه عربض و طویل سانسور رژیم را برای مدتی فلج نمود، نه تنها بزرگترین شکاف ممکن را در میان جناح‌های رژیم ایجاد نمود که روز به روز نیز عمیق‌تر می‌شود، بلکه این جنبش خالق یکی از آزادترین چترهای خبررسانی مدرن و متنوع در دنیای ارتباطات جمعی شد. هر معترض، خود یک گزارش‌گر شد و دنیای گزارش‌گری شکل تازه‌ای به خود گرفت و تحول نوینی در دنیای ارتباطات خبری - تصویری آزاد در مقابله با خفقان و سانسور آفریده شد. اگر خبرگزاران بین‌المللی از ایران رانده شدند، مردم خود مبتکر یکی از بهترین و مدرن‌ترین راه‌های پخش خبر شدند. این تغییر و تحولات، عاملی شدند تا دستگاه گسترده‌ی سانسور خبری رژیم که بوسیله شرکت‌های چند ملیتی «نوکیا» و «زیمنس» و دیگر تولیدکنندگان افزارهای مدرن الکترونیکی به قیمت سرسام آوری تهیه شده بود برای مدتی کارائی خود را از دست بدهند.

دختران دانشجو و زنان جوان نقش برجسته و چشم‌گیری در این جنبش اجتماعی- انسانی ایفا نمودند. از همین روست که آنها بیش از گذشته هدف وحشیگری و خشونت بی‌حد و اندازه‌ی نیروهای سرکوب رژیم قرار گرفته‌اند. قتل ندا، ربوده شدن ترانه موسوی، تجاوز جنسی به وی و سوزاندن پیکر او، تجاوزات متعدد به چندین دختر، زن و پسر جوان دیگر توسط نیروهای امنیتی و چماقداران مسلح بسیجی، بیان‌گر ترس و نفرتی است که این خیزش خیابانی در میان عوامل رژیم ایجاد کرده است. اما تشدید اعمال خشونت نسبت به مردم، خود عاملی شد در رادیکال‌تر شدن خواسته‌های مردم و نشان دادن تمایل شان مبنی بر نفی جمهوری اسلامی در تمامیت آن. واکنش رژیم در برابر مردم، استفاده از حربه همیشگی‌اش یعنی بکارگیری و گسترش دامنه سرکوب بود. تا کنون چندین هزار نفر بازداشت و صدها نفر به قتل رسیده‌اند. دستگیر شدگان تحت وحشیانه‌ترین شکنجه، اذیت و آزارها قرار گرفته‌اند. در میان آنها از دانشجویان دختر و پسر گرفته تا زنان جوان، فعال سیاسی - اجتماعی و یا افرادی که به علت حضور تصادفی شان در خیابان‌ها دستگیر شده بودند، وجود دارند. در مورد افراد شناخته شده، فشار و شکنجه بیشتر به قصد اجبار به اعتراف و اظهار ندامت انجام می‌گیرد. جوانان بی‌نام و نشان اما همچنان به شیوه‌های سال‌های دهه ۶۰ در ایران اسلامی و یا روش‌های متداول در کشورهای نظیر شیلی پس از کودتای نظامیان و یا متدهای رایج در برخی

کشورهای آمریکای لاتین به صورت وحشیانه در زندان‌های رسمی و یا بازداشتگاه‌های مخفی و موقت، مورد شکنجه و آزار جنسی و روحی قرار گرفته و یا سر به نیست می‌شوند.

وظیفه انسانی-سیاسی و موقعیت کنونی هزاران نفر در بند و یا در خطر دستگیری ایجاب می‌کند که در خارج از مرزها، برای ایجاد یک جنبش گسترده در دفاع و پشتیبانی از مبارزات مردم ایران، افشای جنایاتی که انجام می‌گیرد و یا در حال انجام است، برای آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی دستگیرشدگان وقایع اخیر و همه زندانیان سیاسی، ارسال هیئت و یا هیئت‌های حقوقی برای بررسی این گونه جنایات و سازماندهی مقاومت گسترده در برابر رژیم و تشکیل تریبون‌های بین‌المللی برای بررسی جنایت رژیم، اقدامات جدی انجام شود.

وضعیت در خارج از مرزهای ایران:

، خون تازه‌ای در رگ‌های ده‌ها هزار ایرانی در خارج از کشور دمیده شده، بار دیگر امید به تغییر داد و سندهای فکری در میان مجامع ایرانی در اقصی نقاط جهان شدت گرفته است. احساس مسئولیت و هم‌دلی با جنبش اعتراضی مردم گسترش یافته است. شوق و ذوق در همه جا، میان مجامع ایرانی به چشم می‌خورد. حرکت‌های کوچک اعتراضی اشکال نوینی به خود گرفته‌اند و در اینجا و آنجا حرکت‌های گسترده‌تری نیز انجام می‌گیرد. جو سیاسی خارج در سی سال گذشته هرگز تا به این حد برای پشتیبانی از مبارزات مردم مناسب نبوده است.

اپوزیسیون مترقی ایران در خارج از کشور که خواهان مناسباتی انسانی، آزاد، و انتخابی است، در لحظه‌های کنونی یک مسئولیت سنگین تاریخی در مقابل خویش دارد. اگر چه این اپوزیسیون در سی و یک سال گذشته، حتی در بدترین شرایط در برابر جنایات رژیم ساکت نبوده است، اما در شرایط حساس کنونی فاقد ارتباطات لازم و ضروری است. سازمان‌های سیاسی نیز که تا دیروز هم و غم‌شان بسیج توده‌های ایرانی در خارج بود، اگر مردد و یا نظاره‌گر وضع موجود نباشند، دامنه فعالیت‌هایشان از محدوده‌ی چند بیانیه، اطلاعیه و یا شرکت در این و یا آن آکسیون محلی چندان فراتر نمی‌رود. به عبارت روشن‌تر، پتانسیل چند میلیونی ایرانیان در خارج از کشور کارائی چندانی ندارد و نمی‌توان از این توان عظیم بالقوه بهره‌ای درخور، به سود اعتلای جنبش آزادی‌خواهانه‌ی مردم در برابر رژیم جمهوری اسلامی گرفت و یک کارزار گسترده جهانی در برابر آن ایجاد نمود.

چه راه حل و یا راه‌هایی می‌تواند در خارج از کشور وجود داشته باشد؟

اگر به فعالیت‌هایی که در بسیاری از شهرهای اروپا و آمریکا توسط مجامع، نهادها، افراد و گروه‌های ایرانی در جریان است و کم و بیش هم ما در آن شرکت داریم و یا شرکت داشته‌ایم دقت کنیم، در می‌یابیم که اکثر آنها توسط افرادی با ویژگی‌های خاص (زندانی سیاسی سابق، فعال حقوق بشر، شاعر، نویسنده، هوادار و یا عضو این و آن سازمان سیاسی، پناهنده سیاسی، دانشجو، زن و مرد خانه‌دار، پیر و جوان، بازنشسته و شاغل ..) سازماندهی و یا پایه‌ریزی شده‌اند. کمبود کار ما فعالان شهری آنجائی مشهود می‌شود که بخواهیم میان این گونه فعالیت‌ها، در سطح گسترده‌تری همگامی بوجود آوریم

ما برای تداوم کار، نیاز به سازماندهی گسترده و افقی در خارج از مرزهای ایران داریم. ما دارای ده‌ها و صدها واحد فعال شهری هستیم و علاوه بر آن با این اقبال روبرو هستیم که هزاران زن و مرد جوان و سالخورده اکنون به صحنه مبارزات اعتراضی در خارج کشور پیوسته‌اند. تعدادی از این نهادها و افراد، سالیان دراز و در بدترین شرایط، برای دفاع از مبارزات مردم فعال بوده‌اند. علاوه بر آن خیل گسترده‌ای هم به ویژه از نسل جوان به صحنه اعتراضی پیوسته است. اینان عناصر تشکیل دهنده‌ی جامعه دمکراتیک و آزاد فردا هستند. تنها باید میان ما- این نهادهای فعال- ارتباط‌های لازم و کافی را فراهم نمود. چنین هسته‌هایی می‌توانند سدی در برابر جنایات جمهوری اسلامی بنا سازند و آتشی شوند بر پیکر آن.

طرح «همگامی» (۶) با تمام کم و کاستی‌هایش قدمی است - اگر چه بس کوچک - به این سو. طبیعی است که چنین طرحی بر مبنای ویژگی‌های مرحله‌ای تهیه شده که می‌تواند به مرور زمان ارتقا یابد. اگر بتوانیم گام‌های خود را هماهنگ و ارتباطات خود را گسترش دهیم؛ اگر بتوانیم بر مبنای ضرورت و نیاز عمل کنیم؛ نه تنها می‌توانیم توانمندیان را ده چندان کنیم بلکه می‌توانیم هسته‌های اولیه و ضروری برای تحقق دمکراسی شهروندی میان جامعه ایرانیان در خارج از مرزهای کشور را نیز پایه‌ریزی کنیم. مهم‌تر این که، قادر خواهیم شد در سطح بسیار گسترده، با توانی بس عظیم، از مبارزات مردم‌مان در برابر رژیم جمهوری اسلامی پشتیبانی و حتی در اعتلای آن موثر و مفید واقع

شویم.

و انسانی و سرنگونی این نظام ضد انسانی و قرون وسطائی، رهنمون کند.